

بسم الله الرحمن الرحيم

واژگان

- ۱- **تَنْلُو:** می خوانند. (تَلَوْة: تبعیت کردن، خواندن) قرائت آیات و تدبیر در آن را از آن جهت «تلات» گویند که شخص قاری در پی معانی رفته و از آن تبعیت می کند.
- ۲- **فِتْنَة:** آزمایش، گرفتاری، نوعی ایجاد اختلال و اضطراب در چیزی که مقدمه‌ی امتحان و آزمایش الهی است. اصل آن به معنای «گذاشتن طلا در آتش» است تا خالصی‌های آن آشکار شود و به همین دلیل، در آزمایش‌های الهی به کار می‌رود؛ زیرا موجب جدا شدن نیکان از بدن می‌گردد. (آیه ۱۰۲)
- ۳- **مَثُوبَة:** پاداشی که به صاحبش برگردید. (آیه ۱۰۳)
- ۴- **رَاعِنَا:** یا از ماده «رعی» به معنای مهلت است و یا از ماده «رعونه»، به معنای حماقت. (آیه ۱۰۴)
- ۵- **مَا يَوْدُدُ:** دوست نمی‌دارند. (وُد: دوست‌داشتن) (آیه ۱۰۵)

نکات تفسیری

آیه ۱۰۲

۱۰۲/۱- سِحر در میان بنی آدم

تاریخ یهود نشان می‌دهد، آنان همواره به سحر علاقه داشتند و ساحران و کاهنان بسیاری در میان آن‌ها بودند. نوع معجزات حضرت موسی و تقابل او با ساحران فرعون نیز، گواه رسوخ این علاقه در مردم آن عصر است. اعتقاد به سحر و جادو در نسل‌های آینده یهود نیز رواج یافت. آنان بیشتر فنون سحر را از دو منبع به دست آورده بودند:

(الف) در زمان حضرت سلیمان، گروهی از شیاطین در کشور او به سحر و جادوگری پرداختند. (ممکن است منظور از شیاطین، هم شیاطین انس و هم شیاطین جن باشد).

سلیمان پس از نایبودی آنان، دستور داد تمام نوشته‌های آن‌ها را جمع‌آوری و در محل مخصوصی نگهداری کنند؛ (شاید به این دلیل که مطالب مفیدی برای دفع سحر ساحران در میان آن وجود داشت).

آیه ۱۰۵

کفار و اهل کتاب، هیچ گاه خیر شما را نمی‌خواهند

در این آیه، به یکی از ویژگی‌های کلیدی اهل کتاب و مشرکان اشاره می‌شود و آن این که، دشمنان اسلام در قالب هر دین و آیینی که باشند، دوست ندارند، مسلمانان در سایه‌ی لطف خداوند، پیشرفت نمایند. از این رو، مسلمانان و مسئولان جامعه‌ی اسلامی باید توجه داشته باشند که در روابط اجتماعی و سیاسی با ایشان، هوشیار بوده و فریب ظاهرسازی آنان را نخورند.

پیام‌ها

- ۱- معلم در مقام تعلیم یک علم، باید نسبت به کاربردهای منفی آن هشدار دهد. «مَا يُعَلِّمُنَا مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكُفُّرْ» (آیه ۱۰۲)
- ۲- گاهی علم و دانش، وسیله‌ی آزمایش و زیان‌آور است. «إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ... يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ» (آیه ۱۰۲)

۳- سحر، جادو، دعانویسی و این گونه امور حقیقت دارد،^۱ ولی از دایره‌ی قدرت خدا خارج نیست. به همین خاطر، می‌توان با پناه بردن به خداوند، توکل، دعا و صدقه از آن نجات یافت. «وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (آیه ۱۰۲)

- ۴- به انعکاس حرف‌ها توجه داشته باشید. ممکن است سخنی با حسن نیت ادا شود، ولی بازتاب بدی داشته باشد. «لَا تَقُولُوا رَاعِنَا» (آیه ۱۰۴)
- ۵- دشمن، از هر فرصتی برای ضربه‌زن استفاده می‌کند. «لَا تَقُولُوا رَاعِنَا» (آیه ۱۰۴)

۱- منظور از حقیقت این است که می‌توانند واقعیت را طور دیگری جلوه بدنهند ولی قادر نیستند که به عنوان مثال طناب را در واقع تبدیل به مار کنند ولی می‌توانند کاری کنند که بیننده این طور فکر کند. در این خصوص امام خامنه‌ای توضیحی داده‌اند که در سایت سراج اندیشه ذیل متن این درس آمده است.

نوع سوم، اعمالی است که ساحران، آن را از دوستان شیاطین خود می‌گیرند». هر سه نوع سحر، از نظر اسلام حرام می‌باشد؛^۱ مگر این که برای دفع سحر دیگران باشد. اسلام، نه تنها یادگیری و انجام اعمال جادوگری را حرام می‌داند؛ بلکه در موارد متعددی هم‌چون این آیه، آن را به منزله کفر نیز دانسته است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که سحر را به میزان کم یا زیاد بیاموزد، کافر شده است و رابطه‌ی او با خداوند به طور کلی قطع می‌شود».

آیه ۱۰۴

باطل شدن ترفند تبلیغی یهود

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای مسلمانان مطالبی بیان می‌فرمود، آنان می‌گفتند: «راعنا یا رسول الله» و مقصودشان این بود که حال ما را رعایت کنید و آرامتر و شمرده‌تر سخن بگویید تا بهتر سخنان تان را درک کنیم. یهودیان، هنگامی که این کلمه را می‌شنیدند، آن را در معنای دیگری به کار بردند و با آن مؤمنان را تحقیر می‌کردند؛ زیرا در زبان عبری، انسان پلید و خبیث را «راع» می‌گفتند و یهودیان از به کار بردن واژه‌ی «راعنا» قصد این توهین و دشنام را می‌کردند و به پیامبر می‌گفتند که (معاذ الله) «تو در میان ما خبیث و شرور هستی».

گاهی نیز با پیچاندن زبان و کشاندن حروف، آن را به صورت «راعینا» ادا می‌کردند که به معنای «چوپان ما» است. از این رو، قرآن برای از بین بردن زمینه سوء استفاده دشمنان، به مسلمانان دستور داد به جای «راعنا» از تعبیر «أنظرنا» به معنای «به ما مهلت بده!» استفاده کنند. بدین‌سان، این ترفند تبلیغی یهودیان نیز باطل شد.

۱- فتاوی امام خامنه‌ای به شرح زیر است. (اجوبة، سؤال ۱۲۲۹)

* شعبدہ بازی حرام است؛ ولی بازی‌هایی که در آن سرعت حرکت و تردستی وجود دارد (و به عنوان نمایش و سرگرمی انجام می‌گیرد) و شعبدہ محسوب نمی‌شود، اشکال ندارد.

پس از وفات وی، گروهی از شیاطین، آن‌ها را بیرون آوردند و شروع به تعلیم سحر کردند. برخی دیگر، از این موقعیت سوء استفاده کرده و گفتند: «سلیمان اصلاً پیغمبر نبود؛ بلکه به کمک همین جادوگری‌ها به کشورش مسلط شد و امور خارق العاده انجام می‌داد». لازمه‌ی این سخن، آن بود که سلیمان کافر شده است. قرآن، به شدت این سخن را نفی کرده و می‌گوید: «سلیمان هیچ‌گاه کافر نشد؛ بلکه این شیاطین بودند که کافر شدند».

ب) سحر و جادوگری در سرزمین «بابل» به اوج خود رسید و برخی با سوء استفاده از آن، میان خانواده‌ها اختلاف می‌انداختند و به مردم زیان می‌رساندند. خداوند، دو فرشته به نام‌های «هاروت» و «ماروت» را به صورت انسان، مأمور ساخت تا به مردم چیزهایی بیاموزند که سحر را باطل کند، آن دو فرشته هنگام آموزش سحر، به مردم هشدار می‌دادند که این یک نوع آزمایش الهی است، پس به خدا کافر نشوید و از آن سوء استفاده نکنید.

خداوند در ادامه‌ی آیه، یهود و هر کس را که سحر می‌آموزد، مؤاخذه کرده و می‌فرماید: «چنین کسانی هیچ بهره و نصیبی در آخرت نخواهند داشت و اگر کمی بیندیشند، درمی‌یابند که جان خویش را به بهای بدی فروخته‌اند».

۱۰۲/۲- سِحر، گناهی بزرگ

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «سحر چند نوع می‌باشد: یک نوع آن مانند آموخته‌های پزشکی است؛ همان‌گونه که پزشکان برای معالجه‌ی هر بیماری، داروی مخصوص دارند، ساحران هم برای هر سلامتی، آفتی دارند که آن را از بین می‌برد. نوع دیگر سحر، کارهای عادی است که با

سرعت و شتاب غیرمعمول انجام می‌گیرد.(برخی این را شعبدہ می‌دانند)^۱

۱- کارهایی که امروزه انجام می‌شود در واقع شعبدہ نیست. بلکه نوعی تردستی است و فتاوی اکثر علماء جایز بودن آن است.